



دوفصلنامه علمی تخصصی آموزه های حکمت اسلامی
سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مناسبات آراء مشهوره و افعال اجتماعی در مدائن فارابی

محمدرضا دانش شهرکی^۱

سید مجتبی واعظی^۲

چکیده

موضوع پژوهش پیش رو بررسی نسبت آراء مشهوره و افعال اجتماعی اهالی مدینه از دیدگاه فارابی است. فارابی، مدائن را به اعتبار خصوصیات و اهداف اهالی آن به اقسام مختلف تقسیم می‌کند، اما با وجود تمایزات بنیادین اقسام مدائن نزد وی، رئیس هر مدینه - که نمود خارجی اهداف آن است - با بهره‌مندی از مشهورات، به مثابه آراء ظنی مقبول جمهور اهالی، مقدمات و موجبات وصول به غایات را (اعم از آن که منطبق با سعادت حقیقی باشند یا پنداری ناصواب از آن) تمهید و تنسیق می‌نماید. البته آراء مشهوره به عنوان ابزار سامان مدینه و اتحاد جامعه، اصناف مختلفی دارد که برخی مانند سنت‌ها، رکن التزام و بعضی مانند قانون، رکن انتظام برجسته‌تری دارند. البته در نهایت، آراء مشهوره طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد که جامع متخیلات و انفعالات نفسانی و قوانین بوده و هر یک، بخشی از کارویژه مشهورات نزد فارابی را تأمین می‌کند و در نهایت مدینه را به غایت قصوی خود، رهنمون می‌سازد. بنابراین مشهورات، بسته به تدبیر حاکم و متناسب با غایات تأسیس مدینه، جامعه را به سوی هم‌گرایی سوق می‌دهد تا غایت نهایی تشکیل مدینه محقق گردد. البته میزان توفیق مشهورات در تحقق غایت مدینه، به سیاست و خبرگی زعیم آن بستگی تام دارد. این مقاله با شیوه مطالعه کتابخانه‌ای با اولویت متون منتسب به فارابی و آثار شناخته شده شارحین وی سامان یافته است. ما در این نوشتار نشان خواهیم داد مشهورات، سامان بخش افعال اهالی مدینه جهت نیل به غایات مدائن است، جدا از آن که غایات یاد شده دال بر سعادت حقیقی یا پنداری ناصواب از آن باشند.

واژگان کلیدی: مشهورات، مدینه فاضله، اغراض مدینه، فارابی، افعال اجتماعی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۶

mrezadanesh.sh@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

mojtaba.vaezi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشگاه شیراز



✱ طرح مسئله

فارابی، نظام سیاسی بایسته و مطلوب را از سه منظر متمایز و بنیادین «سیاست»، «ریاست» و «غایت»، تبیین و صورت‌بندی می‌نماید. وی در باب خاستگاه پیدایش و تأسیس حکومت، آنها را از سه حیثیت تاریخی، الهی و مردمی بررسی و تحلیل می‌کند. او معتقد است از حیث تاریخی تأسیس حکومت، همزاد پیدایش زیست نظام‌مند اجتماعی انسان بوده و از حیث الهی به مشروعیت حکومت از منظر شریعت پرداخته و بر آن است که در مقام ثبوت، هر حکومت مطلوب و بایسته، ناشی از الوهیت و شریعت است. در نهایت وی مقبولیت حکومت نزد مردم را لازمه شأن اثباتی و تحقق خارجی حکومت فاضله می‌داند. البته افزون بر تفکیک مقام ثبوت و اثبات و به تبع آن تمییز مشروعیت و مقبولیت نزد فارابی، وی به تبع تفکر دوره میانی سرزمین‌های اسلامی، اندیشه حکمرانی را بر مدار حاکم تبیین نموده و افزون بر مشروعیت و مقبولیت حکومت، از مشروعیت و مقبولیت حاکم نیز سخن گفته است.

البته باید توجه داشت در نظر فارابی، مشروعیت، مبنای ثبوتی حکومت و حاکم بوده و شریعت، مبنای ثبوتی حکومت فاضله و ریاست مطلوب است، بنابراین دیگر اقسام حکومت و حاکم که فاضله نبوده و غایت مطلوب نیستند نیز اگر بر مبنای ثبوتی خاص خود استوار باشند، از منظر فارابی می‌توانند مشروع قلمداد گردند. به همین جهت، فارابی در آثار خود از مبنای مشروعیت همه اقسام حکومت و حاکم سخن گفته و در نهایت اثبات نموده است حکومت مشروعیت منبعث از شرع، کمال مطلوب مشروعیت است.

فارابی مشهورات را رکن اساسی هم‌گرایی ملل و نحل مختلف، تأکید بر مشترکات و همبستگی میان تمدنی می‌داند. (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۶۵) افزون بر این، مشهورات به عنوان آراء جاری در اجتماع، پیوندی وثیق با تمام عرصه‌های اجتماعی دارند که همین امر سبب می‌شود، پژوهش در این مقوله، ژرف‌کاوی در اقسام اجتماع، ارکان تأسیس و استمرار وحدت آنها باشد. همین ذات مرتبط با اجتماعات مختلف و متمایز انسانی سبب گردیده تا مشهورات، ماهیتی متغیر داشته و تغییر اوضاع اجتماع سبب

تحول مشهورات گردد. البته ماهیت ابزاری مشهورات نباید سبب گردد تا جایگاه آن‌ها به مثابه رکن بنیادین تحقق حکمت عملی نزد فارابی نادیده گرفته شود. همچنین باید توجه داشت شناخت ماهیت و حیثیت‌های مختلف مشهورات، مستلزم توجه و تعمق در مقوله منطق نزد حکماء مسلمان می‌باشد. در واقع هرچند آراء مشهوره، ابزاری کارآمد و منحصر به فرد در تحقق کارویژه‌های حکمت عملی است، ولی غفلت از خاستگاه نظری آن بدون تردید موجب می‌شود امکان بهره‌مندی از نهایت ظرفیت آن پدیدار نگردد.

به همین جهت باید توجه داشت، فارابی هر چند در حوزه حکمت عملی، پیشگام حکماء سرزمین‌های اسلامی بوده و «به احتمال قوی نخستین کسی می‌باشد که در تاریخ تفکر اسلامی، آثار مستقلی در فلسفه سیاسی تألیف نموده و اصول آن را تکوین کرده است» (داوری، ۱۳۴۶، ص ۶۵) و در تألیفات متعدد خویش فن سیاست مدینه را به هستی‌شناسی فلسفی پیوند زده است، (دانش‌پژوه، ۱۳۶۷، ص ۱۵۵) ولی مقوله مشهورات پیش از وی نیز مورد توجه منطقیان سرزمین اسلام بوده و آثار قابل توجهی درباره آن به رشته تحریر درآمده است. (امیرخانی و همکاران، ص ۱۳۹۵)

البته در ارتباط با ماهیت مشهورات به اجمال گفته شد که آراء رایج به سبب شهرت یا برانگیختن انسان به فعل بوده و دست‌کم میان اکثر اهل مدینه اعم از عوام و علماء و عقلا مورد پذیرش است. (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۰۵) به بیان دیگر مشهورات نزد فارابی از مهمترین آراء و به‌طور کلی امور انبعاث جمهور به سوی غایات متعین مدینه بوده است؛ از این رو آراء مشهوره، ابزاری کارا می‌باشد که حاکم را در هدایت جامعه به سوی سعادت حقیقی، توانا می‌سازد. همچنین هرچند اتفاق نظر و اجماع حقیقی بر آراء مشهوره واقع نشده، ولی درباره آن مخالفت مؤثری نیز صورت نگرفته است. فارابی به سبب ویژگی برانگیزاننده بودن مشهورات، آنها را رأی ظنی حسن دانسته (همو، ج ۲، ص ۳۹۲) و البته باور دارد بر خلاف قسمت عمده مشهورات که انضمامی بوده و تابع ازمنه و امکانه و احوال و غایات مدینه می‌باشد، قسمی از آن، به نحوی غیرانضمامی بر تاریخ بشری مسلط می‌باشد. وی این قسم از مشهورات را اخلاقیات اجتماعی می‌نامد که دربردارنده اموری نظیر مذموم بودن خیانت و دروغ و حسن نیکی و عدالت می‌باشد. (همو، ۱۴۱۳، ص ۲۵۴) اموری که به سبب تفسیرپذیری گسترده و همچنین پیوند وثیق با



ذات نوع بشر و بنیادهای فراهم‌کننده امکان استقرار نظام اجتماعی آنها، هرچند فرض تحقق خلاف‌شان ممتنع نیست، ولی استقراء مثبت آنها وجه مشترک تمام جوامع بشری می‌باشد. این امور به‌گونه‌ای است که هرچند می‌توان ذات نوع بشر و نظام اجتماعی او را منفک از آنها تصور نمود، ولی این موارد به مثابه عوارض لازم همراه بشر و نظم زیست عمومی او هستند.

البته این مقاله، جدا از نمونه‌های نادر غیرانضمامی آراء مشهوره در پی ارائه خوانشی سازگار از مناسبات آراء مشهوره انضمامی و ماهیت و جهت‌گیری‌های خاص افعال اجتماعی اهالی مدائن مختلف می‌باشد. به همین جهت، پس از بیان اقسام مدائن فارابی با تکیه بر اهداف و خصوصیات اهالی آن و همچنین تبیین ماهیت آراء مشهوره نزد فارابی، مناسبات آن‌ها تبیین و تحلیل خواهد شد.

۱. اقسام مدائن نزد فارابی

مدینه در اندیشه فارابی پایین‌ترین درجات حکومت است که بر نظام زیست اجتماعی حاکم است. فارابی در احصاء العلوم تصریح می‌کند که نام‌گذاری هر مدینه مبتنی بر غایت قصوای آن بوده و نام هر یک از مدائن، نماد و نمود غایت و ماهیت آن است. (همو، ۱۹۹۶، ص ۸۱) بنابراین نزد فارابی، دلیل نام‌گذاری هر مدینه غایت اختصاصی آن و همچنین نمودار جهت‌گیری کلی مدینه به سویه‌ای منحصر به فرد و خاص است که قوای مدینه به آن معطوف و با آن متحد است. از این رو بر مبنای غایت قصوای مدینه یا همان وجه تسمیه آن، ماهیت جامعه و آراء برانگیزاننده جمهور مردم به سوی غایات قصوی تعیین و تبیین خواهد شد.

البته فارابی در تقسیم‌بندی کلی ثنائی در فصول المنتزعه، می‌نویسد: «المدینه قد تكون ضرورية و قد تكون فاضلة». (همو، ۱۴۰۵، ص ۴۵)

مقصود از نظام سیاسی در اینجا، حکومت و حاکمیت‌هایی است که از مسیر حکومت‌های فاضله منحرف شده‌اند و یا در نقطه مقابل آنها قرار دارند. فارابی در فصول



المدنی همه حکومت‌های غیرفاضله را تحت یک عنوان کلی، در مقابل حکومت‌های فاضله قرار می‌دهد.

فارابی در السیاسة المدنیة پس از اشاره به انقسام ثنائی مندرج در فصول المنتزعه قسم نخست یعنی «قد تكون ضرورية» را بر سه نوع می‌داند: «والمدينة الفاضلة تضادها (المدينة الضرورية)؛ المدينة الجاهلة و المدينة الفاسقة و المدينة الضالة» (فارابی، ۱۹۹۹، ص ۸۷) متضاد مدینه فاضله که همان مدینه ضروریه است بر سه قسم کلی می‌باشد که عبارتند از جاهله، فاسقه و ضاله. از منظر فارابی، مدائن ضروریه از بدو پیدایش، از فضیلت واقعی محروم بوده‌اند؛ از این رو وی قسم خاصی از مدینه را در آراء اهل المدينة الفاضلة شناسایی می‌کند که پیدایش آن همراه با فضیلت بوده، ولی به دلایلی از فضیلت به ردیلت سوق یافته و به همین اعتبار «مدینه مبدله» نامیده می‌شود. (همو، ۱۹۹۵، ص ۳۲)

فارابی در آراء اهل المدينة الفاضلة، محورهای سه‌گانه‌ای را به عنوان وجه تمایز مدینه فاضله از غیر آن معرفی می‌نماید که عبارتند از سعادت حقیقی، شریعت حق و ریاست فاضل. وی معتقد است هرچند سعادت، نتیجه احتمالی زیست اجتماعی انسان است، ولی به جهت شأن و منزلت، بر تمام شئون آن مقدم می‌باشد؛ از این رو مدینه‌ای که معطوف به تحصیل سعادت حقیقی است، مدینه فاضله بوده و در غیر این صورت در زمره دیگر مدائن قرار می‌گیرد. (همان، ص ۱۳۱) همچنین از منظر فارابی شریعت الهی اساس و بنیاد مدینه فاضله بوده و در دیگر مدائن، شریعت، غیرالهی و فاسد است. (همان، ص ۱۵۱) افزون بر این، در مدینه فاضله، ریاست نیز فاضله و متصل به عقل فعال می‌باشد، اما ریاست فاقد فضیلت یا منکر آن، وجه فارغ سوم مدینه فاضله و غیر آن می‌باشد.

در نهایت با تجمیع موارد یادشده در کتب و رسائل مختلف و متعدد فارابی، می‌توان اقسام مدینه نزد وی را به صورت جامع دسته‌بندی نمود:

۱-۱. مدینه جاهله

نزد فارابی، مدینه‌ای جاهلی است که جمهور اهالی آن، غایت قصوای راستین را نشناخته و حتی توانایی درک آن را ندارند؛ از این رو حتی هدایت نیز در خصوص ایشان جز نمود ظاهری، اثری در باطن مدینه و نفس اهالی ندارد. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۲۷)

۱-۱-۱. مدینه ضروری

نخستین قسم از مدائن جاهلی نزد فارابی، مدینه ضروری است. وی در تبیین این مدینه، غایت آن را تأمین نیازهای نخستین و ضروری حیات بشر دانسته و تعاون در آن، پیرامون نگهداری از بدن و امور آن سامان یافته است. (همو، ۱۴۰۵، ص ۴۵) این مدینه، تنها در پی تأمین کمینه غایات تشکیل اجتماع بشری بوده و به لحاظ تاریخی، بر دیگر انواع مدینه در همه جوامع مقدّم می‌باشد و هیچ جامعه‌ای جز با گذار از این مدینه به تحقق دیگر مدائن رهسپار نمی‌گردد.

۱-۱-۲. مدینه نذاله

دومین مدینه نزد فارابی مدینه نذاله است که غایت آن ثروت‌آفرینی بیش از نیاز متعارف اهالی مدینه می‌باشد. (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸)

۱-۱-۳. مدینه سقوط

سومین قسم مدائن نزد فارابی، مدینه سقوط است و غایت آن تحصیل و بهره‌مندی از طیف وسیعی از لذات محسوس، خیالی و وهمی می‌باشد. (همو، ۱۹۹۹، ص ۱۰۲)

۱-۱-۴. مدینه کرامت

مدینه کرامت به عنوان دیگر مدینه جاهلی، به سوی مدح و گرامیداشت دیگران اعم از دیگر اهالی و اهالی دیگر مدائن قوام یافته است، ولی ضابطه و ملاک این تکریم بر اساس ارزش‌ها و عادات و رسوم آن‌ها متفاوت است. در مدینه کرامت، فضائل غیراصیل نظیر ثروت، نسب، لذت و حتی علم، شبه‌سعادت بوده و چیزی جز پنداری از حقیقت نیستند. فارابی معتقد است با افراط در محبت، این مدینه به مدینه جبارین مبدل شده و همچنین در صورت جانشین‌گزینی موروثی حاکم، این مدینه به مدینه تغلب

تطور خواهد یافت. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸)

۱-۱-۵. مدینه تغلب

مدینه تغلب با همکاری برای تفوق و تسلط بر خصم تشکیل شده است و ضابطه گزینش حاکم در آن، سرآمدی در تدبیر، جودت و شجاعت است. همچنین این مدینه به سبب استعداد جانشینی رئیس مدینه به واسطه سازوکار موروثی، مستعد تحوّل به مدینه جبارین است. (همان، ص ۱۷۳)

۱-۱-۶. مدینه احرار

مدینه احرار، معجبه یا سعیده، واپسین مدینه جاهله است که در آن جمهور اهالی به آزادی مطلق و افراط در آزادی تمایل دارند. در این مدینه، جامع غایات مدائن جاهلی، محقق است. به همین دلیل نظام سلسله مراتبی حکومت، در آن چندان معنادار نیست؛ زیرا آزادی غیرانسانی دربرگیرنده همگان است و حاکم در صورت تمایل به هدایت اهالی مدینه به سوی سعادت راستین، به اطاعت از عقیده و خواست جمهور ملزم می شود و در موارد پافشاری حاکم بر اقدامات خود، مخلوع یا مقتول خواهد شد. (فارابی، ۱۹۹۹، ص ۱۱۴)

۱-۲. مدینه فاسقه

فارابی متمایز از مدینه جاهله که در آن جمهور اهالی، استعداد درک هدایت را ندارند از مدائن فاسقه نام می برد که با وجود استعداد در شناخت سعادت و درک هدایت، در عمل به آن، مرتکب تقصیر می شوند. از این رو به تناظر مدائن جاهله، مدینه های فاسقه نیز وجود دارد. (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۹)

۱-۳. مدینه ضاله

مدینه ضاله، مدینه ای است که اهالی آن درباره خداوند و عقل فعال، آراء ناصواب و فاسدی داشته و مقابل هر قسم از اصلاح عقیده، مقاومت می نمایند. (همو، ص ۱۳۰) در این مدینه، سعادت غیرحقیقی و هدایت وهمی چیره شده است و اهالی مدینه بر مبنای محاکات ناصواب سعادت، اعمال فردی و اجتماعی را سامان داده و اجرا می کنند. (همو، ۱۹۹۹، ص ۱۲۰) در مدینه ضاله، حاکم، مدعی دروغین دریافت وحی راستین است، حال آن که



مدعای وی جز فریب و نیرنگ برای استمرار ضلالت اهالی نیست. (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۳)

۱-۴. مدینه مبدله

در مدینه مبدله، آراء صواب مردم به سویه‌ای ضاله منحرف می‌شود؛ از این رو اصولاً آراء نظری و افعال عملی جمهور اهالی مدینه با آن چه شایسته مدینه فاضله است، مغایر می‌باشد. (همان، ص ۱۲۹) وجه تسمیه این مدینه به مبدله، آن است که آراء و افعال مردمان، بر صواب استوار می‌باشد، ولی انفعال تمدنی یا اثرپذیری افراطی از تمدن‌های دیگر سبب تبدل به ضلالت گردیده است. در نتیجه، تمایز این مدینه از مدینه ضاله در همین نکته نهفته است که مدینه ضاله در گمراهی بنا نهاده شده است، ولی مدینه مبدله از هدایت به سوی ضلالت تنزل یافته است.

۱-۵. مدینه فاضله

غایت حقیقی از اجتماع در مدینه فاضله نزد فارابی، تعاون بر اموری است که موجب تحصیل سعادت است. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۱۸) به دیگر سخن، نزد فارابی، رسیدن به غایت قصوی یا سعادت، جز با تحقق مدینه فاضله ممکن نیست. در نگاه فارابی، مدینه فاضله دست‌کم دارای فضائل بنیادین زیر است:

۱. تعاون به سعادت جمعی؛
۲. پذیرش خداوند به مثابه غایت قصوی؛
۳. معرفت به حق؛
۴. فضیلت‌مندی جمهور اهالی؛
۵. استقرار عدالت؛
۶. محبت و الفت عمومی؛
۷. صلح؛
۸. تشبه به خداوند در اوصاف.

۲. مشهورات نزد فارابی

بنابر آثار بر جای مانده از فارابی به نظر می‌رسد وی از میان سه تعریف رایج از مشهورات نزد منطقیان، قولی را برمی‌گزیند که بر اساس آن میان قضیه و صدق و کذب آن، تلازم برقرار است. (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۲) البته فارابی تصریح می‌نماید هر چند در نهایت، مشهورات متّصف به کذب یا صدق می‌شوند، ولی از حیث ذات، صدق و کذب بر آنها قابل حمل نیست. (همان، ج ۱، ص ۳۶۴) البته فارابی هیچ‌گاه به تصریح، مشهورات را از سنخ قضیه قلمداد نکرده بلکه آن‌ها را از جنس رأی دانسته است. وی در الخطابیه درباره رأی به تفصیل سخن می‌گوید و آن را اعتقاد به چیزی چنین یا چنان تعریف می‌نماید که امکان وقوع طرف مقابل نیز در آن وجود دارد. او همچنین رأی را اعم از یقینیات و ظنیّات می‌داند و این دورا «نوعین تحت جنس واحد» می‌شمارد. (همان، ص ۴۵۷) فارابی آراء ظنی را که مشهورات در زمره آنها هستند به باوری تعریف نموده که پیش از این نبوده و احتمال دارد در آینده نیز نباشد. (همو، ص ۴۶۱) وی در جای دیگر، یقین را دربردارنده یقین مطلق و یقین نسبی دانسته است (همو، ص ۴۵۷) و در تبیین یقین نسبی همان خصوصیات ظنیّات را تکرار نموده است. (همو، ص ۴۵۹)

همانطور که بیان شد، مشهورات نزد فارابی قسم ویژه‌ای از آراء ظنی است (همو، ص ۴۶۴) که متّصف به حُسن می‌باشد، به دیگر سخن، ظنّ حُسن نزد فارابی، رأی جمهور است. (فارابی، ج ۲، ص ۳۹۲) فارابی مشهورات را رکن اشتیاق انسان به سوی افعال و مبادی می‌داند که مورد تأیید بیشتر اهالی مدینه بوده و مخالفت مؤثری با آن اقامه نشده است، به همین جهت وثاقت این آراء، مورد اعتماد جمهور اهالی می‌باشد که به سکون و اطمینان نفوس ایشان منجر می‌گردد. (همو، ج ۱، ص ۲۶۲)

۳. علل پیدایش مشهورات نزد فارابی

فارابی در ارتباط با پی‌جویی علل پیدایش مشهورات، کمتر سخن گفته است. وی تنها در جلد سوم منطقیات کتاب الجدل به پیدایش این قسم آراء می‌پردازد. (فارابی، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۱۷) وی همچنین در النصوص المنطقیه می‌نویسد آراء اخلاقی مشترک میان امت‌های مختلف از قسم مشهوراتی است که می‌تواند موجب اشتیاق امت‌ها به



تقریب و اتحاد باشد. (همو، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۲۱) بنابراین نزد فارابی، اخلاق مهمترین قسم مشهورات است و دربردارنده بخشی قابل توجه از آراء اجتماعی بدیهی است که تعهد به آن خودخواسته و فرهنگی می باشد.

آراء مشهوره نزد فارابی، سبب برانگیختگی انسان به سمت اعمال است. به دیگر سخن، مشهورات در اجتماعات انسانی، خاستگاه پیدایش افعال مشترک و مشابه است. براین اساس، می توان علت پیدایش مشهورات را با علت مشابهت در اعمال یکسان دانست؛ زیرا علت پیدایش مؤثر، همان است که در اثر نیز حضور دارد و یکی از شیوه های کارآمد در فهم حقیقت امور، اندیشه در آثار و توالی آن هاست. (قراملکی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۹) بنابراین هرچند علل پیدایش مشهورات نزد فارابی به صراحت بیان نشده، ولی تحقیق و تعمق در اعمال مشترک می تواند در کشف این علت های مکتوم رهگشا باشد؛ علت های کمتر مورد توجه واقع شده ای که دست کم شریعت و قانون، تخیل انسانی، افادات عقل فعال، انفعالات نفسانی و عادات و رسوم را دربردارد.

فارابی اصناف علم مدنی را در احصاء العلوم تبیین و تحلیل نموده است (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۷۹) و با توجه به اینکه این قسم، علم به غایت قصوای انسان یعنی سعادت است، به بیان مسائل مرتبط به آن و امور رهنمون به آن می پردازد (نیکو صفت راد و سعیدی مهر، ۱۳۹۰، ص ۳۶) نزد فارابی، نیل به سعادت حقیقی جز از طریق زیست در مدینه به دست نمی آید و به همین جهت شیوه زیست اجتماعی انسان بر این مهم، اثر مستقیم دارد. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۴۳) بنابراین تأسیس مدینه، مقدمه ضروری نیل به سعادت راستین می باشد. به بیان دیگر، سعادت راستین با سیاست و ولایت و جماعت پیوندی وثیق و غیرقابل انکار دارد. از دیگر سو، مشهورات در پرتو سیاست، ولایت و جماعت، معنا و کاربرد یافته و به همین جهت مشهورات در زمره آراء مربوط به حوزه اجتماعیات درج شده اند؛ ازاین رو علم مدنی و آراء مشهوره از حیث عطف به اعمال اجتماعی، مشترک و مشابه هستند. براین اساس می توان گفت اصناف علم مدنی دارای ما به ازاء در مشهورات بوده و با تعمق در خاستگاه اصناف علم مدنی، می توان بر علل پیدایش مشهورات، آگاهی مبتنی بر استنباط یافت. در نتیجه، اخلاق، سنن ارادی، عادات، ملکات و مانند آن از علل بی واسطه پیدایش مشهورات هستند.

فارابی بر این باور است که افعال مشترک به صورت کلی و نیز اثر تحقق آراء مشهوره به صورت خاص، سبب وحدت مدائن و جوامع می باشند (همو، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۲۱) و از آنجا که یکی از شیوه های کارآمد در شناخت و ارزیابی اشیاء و امور، تدقیق و تعمق در پیامدهای آنها است، بنابراین از خاستگاه افعال مشترک می توان به علل پیدایش آراء مشهوره دست یافت. در این میان، قانون و شریعت از عوامل بسیار مهم در پیدایش افعال مشترک هستند. البته باید توجه داشت نزد فارابی، شریعت خاستگاه وضع قوانین مربوط به افعال در معنای عام انسان بوده و قانون، همان شریعت موضوعه توسط جمهور اهالی، جماعت حاکم یا سلطان است. (همان، ج ۲، ص ۱۱) البته وضع قوانین توسط حاکم واحد و با عنایت به آموزه های وحیانی، شریعت به معنای خاص می باشد. بنابراین قوانین نیز پس از گذشت مدت کافی، به جهت ریشه دواندن در تاروپود جان و روح آدمیان، از جمله علل پیدایش مشهورات به شمار می روند. (فارابی، ۱۹۹۱، ص ۴۶)

تخیل انسان، امر دیگری است که افعال بشری از آن تبعیت می نماید و بدیهی است که در موارد بسیاری، نتایج قوه تخیل با ظنیات و یقینیات بشر در تضاد و ناسازگاری است. (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۰۲) از این رو نتایج قوه متخیله بشر نیز می تواند یکی از علل پیدایش مشهورات به شمار آید. همچنین فارابی خاستگاه برخی از تخیلات مشترک آدمیان را عقل فعال دانسته و معتقد است حقیقت واحد از جانب عقل فعال، با عنایت به عادات و رسوم عوام و با صیانت از ذات حقیقت واحد، موجب حلول محاکات در کالبد جماعت انسان ها می شود. (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۴۴) بنابراین تخیلات مشترک افزوده شده از جانب عقل فعال موجب وحدت و رکن هم گرایی مدائن می باشد؛ حال آن که دیگر تخیلات بشری همواره موجب کثرت و عامل وحشت و حیرانی مردم می گردد.

مورد دیگر، انفعالات نفسانی است (همو، ۱۹۶۷، ص ۱۱۸۱) انفعالات نزد فارابی اقسام سه گانه ای است که بر اساس منسوب به، نام گذاری شده اند: انفعالات قوه نفس، ضعف نفس و اعتدال نفس. (همان، ص ۱۱۷۹) حال بر اساس آنکه جمهور مدینه، مبتنی بر علل مختلف مانند جبر جغرافیایی، طبیعت مزاج و حالات روان، متمایل به کدام قسم از اقسام سه گانه قوای نفسانی باشند، آراء مشهوره رایج در آن مدینه نیز متنوع و متمایز خواهند بود. البته، فارابی معتقد است، تمایز بشر از



حيث جنس به ذكور و اناث نیز در تمايل آدمی به یکی از اقسام سه‌گانه انفعالات نفسانی اثرگذار است. وی معتقد است تمايل مردان به انفعالات قوه نفس و زنان به انفعالات ضعف نفس بیشتر است. از این رو آراء مشهوره اختصاصی اجناس نوع بشر، متفاوت است، ولی به حکم آیه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء/ ۳۴) آراء مشهوره موافق با جنس ذکور، در مدینه، رایج و معتبر است. البته ذکور و اناث، در دیگر قوا یعنی حساسه، متخیله و ناطقه، نزد فارابی برابر و مشترک هستند. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۹۵)

عادات و رسوم مدائن از دیگر علل پیدایش آراء مشهوره است. فارابی عادات و رسوم را وجه تمایز مدائن و جوامع از یکدیگر می‌داند. (فارابی، ۱۹۹۹، ص ۷۴) البته هر چه بر عادات و رسوم جوامع تأثیر گذارد، به نحو غیرمستقیم بر پیدایش آراء مشهوره مدائن نیز اثربخش است. بنابراین افزون بر انفعالات و تخیلات، (همو، ۱۹۶۷، ص ۱۱۸) آراء مشهوره نزد فارابی از طبیعیات نظیر اجرام سماوی نیز اثرپذیر است. (همو، ۱۹۹۵، ص ۷۵)

۴. ضابطه مشهورات نزد فارابی و مشترکات آنها

فارابی به مثابه میراث‌دار سنت یونانی و اسلامی، «خیرالامور» را اوسطها دانسته و کمال مطلوب امور را در اعتدال پی‌جویی می‌نمود. (همو، ۱۴۱۳، ص ۲۳۸) وی همانند صحت و مرض جسم که نتیجه اهتمام و عدم اهتمام به رعایت اعتدال در امور مربوط به جسم است، استمرار و ثبات مدینه را نیز در گرو اهتمام اهل آن به اوسط امور دانسته و انحرافات اجتماعی و دوری از سعادت را از عوارض عدم رعایت اعتدال توسط اهل مدینه می‌داند. (همو، ۱۴۰۵، ص ۲۴) تعمق درباره ماهیت و اقسام مدینه و مقوله اعتدال نزد فارابی، در روشن کردن این مطلب مفید است که ضابطه شناسایی حُسن به عنوان رُکن اساسی مشهورات، همان اعتدال اجتماعی است. فارابی اعتدال را بر دو قسم اعتدال نفسی و اعتدال اضافی دانسته و اعتدال نفسی همان مشهورات غیرانضمامی می‌باشد که با تغییر مکان و گذشت زمان، همچنان ثابت بوده و ذاتی اجتماع مطلوب انسانی است. ولی اعتدال اضافی، انضمامی بوده



و همواره در معرض تغییر و تحوّل است. (همان، ص ۳۷) به نظر می‌رسد مشهورات در معنای مختار، منطبق بر مصادیق اعتدال اضافی باشد و مشهورات مندرج ذیل عنوان اعتدال نفسی هم به جهت تعداد مصادیق و هم تعریف آنها، در گذر ایام کمتر مورد اتفاق نظر بوده؛ از این رو صدق عنوان «مشهوره» با مختصات پیش گفته بر آن دشوار به نظر می‌رسد.

البته ضابطه دیگر تشخیص مشهورات، نسبت میان فضیلت و رذیلت اجتماعی و غایات و اهداف مدینه است. فارابی اشتیاق قوا، ملکات و افعال ارادی انسان به سوی غایت قصوی را فضائل نامیده و هر آنچه را خلاف آن باشد، رذائل می‌داند. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۲) پس هر چه اهالی مدینه را به سوی غایات و اهداف مدینه راهنما باشد، از مشهورات است.

البته، مشهورات شناسایی شده بر اساس ضوابط پیش گفته، نزد فارابی حائز وجوه مختلف اشتراک نیز هستند. باید آراء مشهوره نزد جمهور مردم در مقام تصور و تصدیق، قابل درک و فهم باشد تا بتوان التزام اهل مدینه به این آراء را طلب نمود؛ زیرا پیچیدگی و وجود غوامض نظری و عملی مختلف آراء مشهوره، سبب وحشت مردم و گریز ایشان از اتحاد خواهد بود. (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص ۳۸) همچنین این آراء باید صریح و مشخص باشند؛ زیرا طبع آدمی از تصدیق امور کلی و انتزاعی که به ذات مبهم هستند، گریزان و متوَحّش است. (همان، ص ۴۰) البته این خصوصیت در جمهور مردم است و خواص و عقول معطوف به عالم ماوراء طبیعت، به این امور نیز توجه داشته و نفس آنها از درک و فهم امور کلی، گریزان نیست؛ از این رو مشهورات باید غیرکلی و غیرانتزاعی باشند تا مقبول جمهور بوده و التزام عمومی بدان محقق گردد.

فارابی در ارتباط با وجه اشتراک مشهورات بر این باور است که این آراء باید برای جمهور اهالی مدینه قابل فهم و درک بوده (فارابی، ۱۴۱۳، ص ۲۵۱) و همچنین همانطور که گفته شد، متّصف به وصف حُسن باشد؛ (همو، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۹۲) زیرا حُسن ظنّ، شرط لازم و کافی مشهورات است.

۵. کارکرد آراء مشهوره نزد فارابی

فارابی، مشهورات را منشوراتی می‌داند که موجب اشتیاق انسان به سوی فعل است. (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۹) در کتاب الجدل، فارابی کارکرد متمایز مشهورات را چنین تبیین می‌نماید که اشتیاق اُمّت‌ها به وحدت و انس و تقریب ایشان به سبب این آراء است. البته تقریب و تألیف اُمّت‌ها، سبب پدیداری تشابه میان افراد آنها شده که زمینه‌ساز اشتراک ملل و نحل در اطلاق صفات حُسن و ذم بر امور خواهد شد. (همان، ج ۳، ص ۱۲۴) البته باید توجه داشت رواج مشهورات میان ملل و نحل نزد فارابی، مصداق وحدت در عین کثرت بوده و جوامع مختلف در عین تشخّص، موجد شخصیتی مبتنی بر مشهورات نیز هستند. (همان، ص ۳۶۵) از این رو کارکرد مشهورات در راستای تأسیس اُمّت‌های متّحده آن است که با وضع، تدوین و ترویج آراء مشهوره مشابه میان ملل مدّنظر، همگرایی اُمّت‌های متّحده حاصل گردد. بدیهی است رابطه اشتیاق به اتّحاد اُمّت‌ها و شیاع آراء مشهوره نزد ایشان، رابطه‌ای دو سویه بوده؛ یعنی اشتیاق به اتّحاد سبب وضع، تدوین و ترویج مشهورات شده و وضع، تدوین و ترویج مشهورات سبب تعمیق و تتمیم اتّحاد اُمّت‌ها می‌گردد. البته میزان اثربخشی مشهورات در اُمّت‌ها منوط به تعلیم و تربیت عمومی مناسب و ریشه دواندن این آراء میان سنّت‌ها و رسوم آنهاست و این خود به سازوکار عمومی تبلیغ و ترویج مشهورات وابسته است که افراد را از خردسالی در معرض آن قرار دهد. (همان، ص ۳۶۵)

در واقع، اثربخشی کامل مشهورات در گرو آن است که این آراء به بدیهیّات فکر اجتماعی تبدیل شود و فرد وراء الزامات اجتماعی، خود را به صورت خودانگیخته، ملتزم به پذیرش، احترام و معمول داشتن این آراء بداند. به همین جهت، تبلیغ و ترویج آنها از خردسالی ضرورت می‌یابد؛ زیرا تغییر باور بزرگسالان و توقع چشم‌پوشی ایشان از مشهورات غیرمتّحده که بیشتر بر اساس تأمین منافع شخصی و گروهی سامان یافته، بسیار دشوار و کمتر منتج به مطلوب است و معمولاً به دلیل عدم التزام این افراد به مشهورات متّحده، بهره‌گیری از الزامات ضرورت می‌یابد و افزون بر افزایش هزینه‌های مادی جامعه، سبب تحمیل هزینه‌های گسترده معنوی به آن نیز خواهد بود.

۶. پیامدهای کاربست مشهورات به مثابه رُگن همگرایی اجتماعی

فارابی که می‌توان او را پیشگام سنت همگرایی در فلسفه جهان اسلام نیز دانست، ابتدا اهتمام جدی در ارائه خوانشی همگرا از نظریات برخی فیلسوفان به کار بست و بر اساس باور استوار خویش بر همگرایی فلسفه، الجمع بین آراء الحکیمین را نگاشت. وی معتقد بود زمانی که غایت دو فیلسوف بزرگ یونانی؛ افلاطون و ارسطو، بحث درباره حقیقتی واحد بوده، اختلاف میان آراء و افکار ایشان پذیرفته نیست. (فارابی، ۱۹۹۹، ص ۳۷) فارابی این مشی را از حکمت نظری به حکمت عملی نیز سرایت داده و بر این باور است که اجتماع افراد حول محور فضیلت به فساد و افتراق نمی‌انجامد؛ زیرا در فضیلت، غایت قصوی، خیر است و خیر و شیوه نیل به آن در هر اجتماع، واحد و معین می‌باشد. بنابراین وی معتقد است اختلاف و افتراق، معلول واگرایی در اهداف و غایات افراد اجتماع بوده؛ از این رو آن را شر اجتماع و عامل فساد آن می‌داند. (همو، ۱۴۰۵، ص ۱۰۱)

فارابی حتی گستره همگرایی اجتماعی را تا آنجا توسعه می‌دهد که رؤسای متعاقب مدینه را نیز مشمول آن می‌داند و ایشان را در حکم نفس واحد و واجد عقیده و عمل مشترک می‌پندارد. (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۳۰) وی می‌نویسد:

بر رئیس مدینه بایسته است میان اهل مدینه، مشهورات را پدید آورد تا آن‌ها را به وحدت، تألیف و همکاری سوق دهد و در نتیجه آن، اُمت و اهل مدینه با وجود کثرت به مثابه شیء واحد، به سوی غایتی مشترک سوق یابند. (فارابی، ۱۹۹۱، ص ۶۵)

همانطور که بیان شد، کاربست اساسی مشهورات، بنیاد نهادن نظام منسجمی است که زمینه همگرایی جامعه به سوی غایت مدینه را فراهم آورد. به دیگر سخن، می‌توان گفت فارابی در پی همگرایی اهالی مدینه به سمت غایت قصوای آن است. به همین جهت، پذیرش مطلوبیت همگرایی اجتماعی در پرتو طرح مفهوم مشهورات در حکمت عملی توسط فارابی سبب شد تا فلسفه سیاسی وی دارای مختصاتی غیرقابل اجتناب گردد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱-۶. تمرکز قدرت تدریجی

تمرکز قدرت، به‌ویژه در حوزه عمومی دو صورت عمده و متمایز دارد:

۱. انحصار قدرت سیاسی؛ ۲. توزیع سلسله‌مراتبی و هرمی قدرت. بنابراین نه تنها رئیس‌مدینه، نمود اقتدار و قدرت اجتماع است، بلکه جریان قدرت و اقتدار، نزولی بوده و جمهور اهل مدینه در تأسیس آن جایگاهی ندارند. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۱۶)

۲-۶. ترجیح منافع جمعی

در سنت ارسطویی فلسفه عباراتی مانند اغراض مدینه، منافع مدینه و مصالح عامه یا مشترک، همگی بر تمایلات همگرایانه ناشی از پذیرش خوانشی از جمع‌گرایی دلالتی آشکار دارد. در همگرایی معطوف به جمع‌گرایی، اهتمام جدی بر آن است تا احاد اهالی مدینه، در پرتو وحدت به سعادت مشترک نائل آیند. در این رویکرد، غایت تأسیس اجتماع، نیل به سعادت مشترک است. از این رو اهالی مدینه ملزم هستند برای تحقق آن تعاون داشته باشند. (همان، ص ۲۸۰) افزون بر این، رئیس مدینه فاضله، امور را معطوف به خیر عامه سامان می‌بخشد. (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۷۱)

۳-۶. طرد آزادی سیاسی

با وجود آنکه مفاهیم آزادی اراده و آزادی اخلاقی برای نخستین بار توسط فارابی وارد ادبیات فلسفی جهان اسلام گردید؛ پیوند وثیق این دو و آزادی سیاسی مورد توجه قرار نگرفت. در واقع از آن جا که از نظر فارابی آزادی سیاسی با همگرایی ضروری برای اجتماع سازگار نیست، وی این قسم از آزادی را نپذیرفته و تأیید نکرد. (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۹)

۴-۶. تأکید بر غایت قصوای مشترک

فارابی به پیروی از سنت فلسفی ارسطویی که بر غایت و هدف مشترک آدمیان تأکید می‌کند، در سه اثر مهم یعنی تحصیل السعادة، التنبيه على طريق السعادة و آراء اهل المدينة الفاضلة، درباره این مقوله و جوانب مختلف آن بحث کرده است. نزد فارابی،

تأسیس مدینه در راستای نیل شهروندان به غایت مدینه می باشد و نیز وظیفه رئیس مدینه، ایجاد اسباب و تسهیل طریق نیل به غایت مدینه برای شهروندان است. (همو، ۱۴۰۵، ص ۴۷)

۵-۶. نفی مشارکت مؤثر اهالی مدینه

در حکمت عملی فارابی، اداره جامعه بر مبنای ارتباط سلسله مراتبی استوار است. در این منظومه فکری، شناخت رئیس مدینه و تعیین جایگاه افراد توسط وی و بر اساس اموری است که گاه اکتسابی و گاه غیراکتسابی می باشند. بنابراین در نظام سلسله مراتب، اهالی مدینه در انتخاب جایگاه اجتماعی افراد هیچ نقشی ایفا نمی کنند و در پیدایش قدرت عمومی مشارکت ندارند. (همو، ۱۹۹۹، ص ۹۴) به دیگر سخن، «برای فارابی، اینکه سیاست، معرفتی خاص است که جز معدودی نباید و نمی توانند به آن وارد شوند، ابهامی نداشت.» (ناظرزاده، ۱۳۷۶، ص ۲۱۷)

۷. آراء مشهوره و افعال اجتماعی اهل مدینه

آراء مشهوره و اجتماع آدمیان، پیوندی وثیق و سنخیتی عجین دارد تا آنجا که مشهورات خارج از اجتماع از قوه به فعل تبدیل نشده و اجتماع فارغ از آراء مشهوره، سامان و سازمان نمی یابد. نزد فارابی، تشکیل جوامع و مدائن، به تأمین نیازهای اولیه و ثانویه نوع بشر یا غرایز حیوانی و حوایج روحانی آن معطوف بوده و غایت عالی هر جامعه و مدینه، سعادت ابدان و ارواح آدمیان است. در اندیشه فارابی، انسان متفرد و مجرد، هیچگاه توفیق کافی در فعلیت استعداد و استمرار مطلوب حیات ندارد؛ از این رو تأسیس جامعه، ضروری نوع بشر است، اعم از اینکه آن جامعه، کامله و مدینه فاضله یا ناقص و دور از فضیلت باشد. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۱۲) فارابی همین ویژگی ضروری بشر را وجه تسمیه آدمی به حیوان انسی یا مدنی می داند. (همو، ۱۴۱۳، ص ۱۳۹) از این رو نزد فارابی، مشهورات، تأسیسی مقتضی ذات اجتماعی بشر است. البته بدیهی است، تشکیل مدینه به هر یک از صورت های پیش گفته، مقدمه ای واجب دارد که قانون عادلانه است. (ابن سینا، ۱۴۰۹، ص ۴۴۱) به دیگر سخن، آدمی در صیانت از نفس خود و قوام حیات،



ناگزیر از تشریک مساعی و تشکیل حیات جمعی است و این مهم محقق نمی‌گردد مگر با وضع انتظام امور و پرهیز از فساد به واسطه قانون که همان مشهورات نخستین هر جامعه است. (همو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹)

در واقع، قوانین جامعه نزد فارابی همان معارف واحدی است که اهالی مدینه فاضله، استعداد درک آن را داشته و در فهم آن توفیق یافته و به اجرای آن اهتمام دارند. تأسیس این معارف در مدائن فاضله، و حیانی بوده و شریعت منتهی به سعادت غایی بر رئیس یا حاکم مدینه وحی شده و او این شریعت را به صورت مشهورات برای هدایت جمهور اهالی مدینه ارائه می‌دهد. (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۴۳) همچنین فارابی معتقد است جمهور اهالی مدینه، باید نسبت به اصناف مدینه و احوال اهالی در آن، تحقیق و تعمق نمایند و پس از تأمل و کسب آگاهی، در مقایسه‌ای عالمانه میان امتیازات و کاستی‌های اقسام مدینه به تشکیل مدینه فاضله اهتمام ورزند.

همان‌طور که گفتیم نزد فارابی غایات و اغراض مدینه در تسمیه آن جایگاه اساسی دارد (همو، ۱۹۹۶، ص ۸۱) به دیگر سخن، وجه تسمیه، مسبوق به تصور واضح از امور است. وجه تسمیه رئیس مدینه نزد فارابی، به توفیق وی در تأمین غایات و اغراض مدینه و وجه تسمیه مدینه مبتنی بر غایت و غرض تأسیس آن وابسته است. با توجه به همین غایت محوری دیدگاه فارابی می‌توان دریافت، تمام آراء نظری و افعال عملی اهالی مدینه باید به سمت و سوی آن غایات و اغراض، همگرا و متحد باشد. هم‌گرایی و اتحادی که نیازمند ابزاری کارآمد و مناسب به این جهت است.

فارابی بر اساس تبیینی که از ذات آراء مشهوره ارائه می‌دهد، بهترین ابزار تمکین و تسهیل هم‌گرایی و اتحاد به سوی غایت قصوای جامعه را مشهورات می‌داند؛ زیرا خصوصیت بنیادین مشهورات، برانگیختن اهالی مدینه به سوی افعال متناسب با غایت و غرض مدینه می‌باشد. (همو، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۰۵) بر همین اساس، مشهورات مبادی انکارناپذیر هر قسم وحدت است. بنابراین می‌توان گفت آراء مشهوره هر مدینه بر مبنای، مبادی و خاستگاه ارزش‌ها و باورهای آن جامعه دلالت داشته و بدان‌ها رهنمون است و همچنین آگاهی بر اموری نظیر فرهنگ، سنت و مقتضیات مصلحت عمومی،

سنخ مشهورات آن جامعه را حکایت کرده و اذهان را به سوی مشهورات حاکم دلالت و راهبری می‌کند.

هرگاه غایت و غرض مدینه معین گردد و با توجه به آن غایات و اغراض، مدینه نام‌گذاری شده و تشخّص یابد، آراء نظری و افعال عملی اهالی مدینه به سوی آن اغراض و غایات همگرا و متحد می‌شود. مشهورات بر اساس تحقّق این هم‌گرایی و اتحاد، تأسیس یا تأیید می‌شود و در جامعه، تبلیغ و ترویج می‌گردد. به همین دلیل به اقتضاء ثبات و تحوّل اغراض و غایات مدینه، مشهورات نیز بنابر شأن سامان بخش خود، در راستای تأمین و تحقّق اغراض و غایات متأخر و معتبر در زمان حال، تعریف و اعمال می‌گردند. البته، تمایز اساسی آراء مشهوره در قیاس با دیگر آراء اجتماعی آن است که این آراء در حوزه اختیار رئیس مدینه بوده و از آن برای ترغیب جمهور اهالی مدینه به سویه‌ای خاص و مشخص بهره می‌برد. آراء مشهوره در تبیینی تمثیلی چوب‌دست شبانی رئیس مدینه برای هدایت اهالی مدینه به سوی غایت تأسیس مدینه است. البته از آنجا که مشهورات، مقبولات عامه نیز هستند؛ از این رو رئیس مدینه به دلیل اهتمام به اجرا و ترویج آنها مورد حمایت و تقدیر اهالی مدینه نیز خواهد بود، در نتیجه، خدمات مشهورات و رئیس مدینه، متقابل بوده هر یک در تکمیل دیگری اثر اساسی دارد.

بنابراین اتصاف برخی آراء، به وصف مشهوره به استقبال عمومی اهالی مدینه از آن آراء وابسته است که موجب می‌گردد این قبیل آراء در زمینه تمهید مقدمات و تأمین مقتضیات تحقّق اغراض و غایات مدائن، نقش اساسی ایفا نمایند. البته در صورت عدم اهتمام کافی رئیس مدینه در ارتباط با مدیریت مشهورات و عدم توجه کافی به آن، آراء مشهوره که به مثابه ستون خیمه مدینه تلقی می‌گردند، به ابزاری در اختیار خصم، جهت تفوّق به مدینه مبدل می‌شود. در واقع در این موارد، خصم با تغییر آراء مشهوره اجتماعی از خارج مدینه، جامعه را به سوی انحراف از غایات سوق داده و ارزش‌های جاری و ساری آن را نابود می‌سازد. این قسم تصرف مدینه توسط خصم اگر از سوی مدینه فاضله صورت پذیرد، «نفاذ فرهنگی» نامیده شده و در صورت تحقّق از سوی دیگر اصناف مدینه، تهاجم فرهنگی خوانده می‌شود. بنابراین اگر اهتمام رئیس مدینه به



تنسيق مشهورات به سوى غايات و اغراض مدينه معطوف نشود، تغيير صوري مشهورات مي‌تواند از روبناي جامعه به زيربناي آن رسوخ نموده و اسباب استحاله جوامع را فراهم آورد.

با عنايت به مطالب پيش گفته در تبين نسبت مشهورات و سنخ مدائن مي‌توان گفت از آنجا كه مدائن جاهلي مطابق با قرائت فارابي در راستاي تأمين نيازهاي طبيعي اوليه آدمي و كسب رفاه عمومي مادي تشكيل مي‌شود. اگر دليل در تأمين نيازهاي جسماني و مادي، افراط گردد مقام شامخ انسانيت تنزل مي‌يابد. از همين رو، مشهورات ابزاري مؤثر در دست حاكم جامعه است، تا غايات قصواي جامعه تأمين شود. به ديگر سخن، مشهورات معطوف به غايات و در راستاي تثبيت و توسعه آنها تاسيس و ترويج مي‌شود و بر اساس آنها تغيير يا تداوم مي‌يابند؛ همين مشهورات در مدائن جاهلي، سبب هم‌گرائي و اتحاد جمهور اهالي در راستاي تأمين نيازهاي اوليه‌اي است كه مي‌توان آن را مشترك ميان انسان و غيرانسان دانست.

در مدائن فاسقه با وجود استعداد درك حقيقت و پيروي از شريعت راستين و نيل به سعادت حقيقي، اهالي با اراده خويش از درك، پذيرش و عمل به حقايق ياد شده سرباز زده و در نتيجه مشهورات در اين مدائن ابزاري براي توجيه غفلت و استمرار تجاهل و تغافل است.

در مدينه ضاله، آراء مشهور فاسد و محاكات غير حقيقي از هدايت و سعادت آميخته با دروغ و فريب، به اهالي تعليم داده شده و در تبليغ و ترويج آن هرگونه تلاشي معمول مي‌گردد. در اين جامعه، غايت قصواي شخصي حاكم، به مثابه سعادت مورد محاكات است و از آنجا كه مطلوب، اجرا و ترويج خواست حاكم است، مشهورات حول محور برانگيختن جمهور مردم به اهتمام در خصوص اجراي مطالبات حاكم، تاسيس و ترويج مي‌گردند. فارابي رئيس اين جامعه را در ضلالت مردم و تعميق دلالت وصف ضاله بر ماهيت اين قسم مدينه بسيار مؤثر مي‌داند؛ زيرا وي در مقام حاكم، مدعي بهره‌مندی از فيض و حياني بوده و از اهالي مدينه، تبعيت مطلق و بدون قيد و بند را مطالبه دارد؛ حال آن‌كه مدعای وی فریبي بیش نبوده و به همین جهت سرنوشت این مدينه جز

انحطاط نیست. بنابراین در این قسم مدائن، مشهورات ابرزاری در دست حاکم برای استقرار منویات شخصی است که بهره‌ای از شریعت و حیانی نبرده، ولی به کذب منبعث از آن معرفی می‌گردد.

مدینه فاضله فارابی، یگانه مدینه‌ای است که در آن کمال حقیقی و سعادت غایی، موضوع تعاون و اشتراک مساعی است و در این مدینه، مشهورات ابرزاری در خدمت تأمین سعادت ابدان و ارواح در شئون فردی و اجتماعی می‌باشد. (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۴۵)

نزد فارابی، وجه تسمیه مدائن، به غایات قصوای آنها معطوف بوده از این رو تمایز اسامی به دلیل تفاوت غایات است. بنابراین به پیروی از اغراض و غایات مدینه فاضله، تأسیسات اجتماعی، افعال عملی و آراء نظری، به سوی تأمین و تحقق آن‌ها متحد و همگرا شده است. در این میان، آراء مشهوره، با توجه به ویژگی‌های ذاتی آن یعنی اجتماعی بودن، ظنی بودن، حسن بودن و برانگیختن جمهور اهالی مدینه به سوی افعال معین، جایگاه ممتاز و انکارناپذیری در تأسیس و تداوم مدینه فاضله دارد. در این مدینه، حاکم یا رئیس با بهره بردن از مشهورات، اهالی را به سوی افعالی منبعث می‌نماید که کمال سعادت و تمام هدایت را تأمین می‌نمایند. (همو، ۱۹۹۹، ص ۱۰۲) البته رئیس مدینه فاضله باید حسن تدبیر داشته باشد تا به عنوان هادی رغبت به آراء حسنه و وصول به غایات ممدوح پذیرفته شود.

در مدینه مبدله که در واقع صورت انحراف یافته مدینه فاضله است، مشهورات، جماعت بهره‌مند از فضیلت را به سوی رذائل سوق داده تا بدان جا که جامعه در باب فضیلت از اعتدال خارج شده یا به صورت کلی فضیلت به فراموشی سپرده شده و جامعه در عمل به شریعت و حیانی و نیل به سعادت حقانی توفیق نخواهد یافت.

نتیجه‌گیری

فارابی، وفادار به سنت یونانی، به‌ویژه ارسطو (پیشگام منطق نظام‌مند) در تعریف امور به بیان جنس و فصل ملتزم بوده؛ از این‌رو مشهورات را «رأی ظنی» تبیین نموده است. همانطور که بیان شد دلیل انصراف فارابی از انتساب عنوان قضیه به مشهورات آن است که قضایا مستعد پذیرش یکی از دو صفت صدق و کذب هستند، ولی مشهورات به بیانی همواره صادق هستند و به بیانی دیگر اساساً صدق و کذب در آن‌ها راه ندارد که هر دو تعبیر بر تمایز ذاتی مشهورات و قضایا دلالت دارد. فارابی، در بیانی دقیق‌تر، مشهورات را رأی ظنی مقبول نزد جمهور اهالی مدینه می‌داند که استعداد انبعاث مردم به سوی فعل خاص و ترغیب ایشان به عمل به آن را دارند، اعم از آنکه محتوای ذاتی و ارزشی آن افعال به سعادت حقیقی منتج باشد یا خیر.

باید دانست وضع مشهورات در ابتدای امر در تأمین غایات و اغراض نخستین بشر بوده و تنها مانع از هرج و مرج مدائن و تأمین حوایج حیوانی اهالی می‌گردید. ولی به مرور و با عنایت به آنچه فارابی، پیوند وثیق غایات مدینه و وجه تسمیه ایشان می‌نامد، مشهورات در هر مدینه، صورت‌بندی و برنامه عملی انضمامی غایات و اغراض بوده و کارایی آنها به توفیق ایشان در انبعاث آحاد ملت به سوی افعال متحد و هم‌گرایی وابسته است که نمود اهداف و نیازهای مدینه می‌باشند.

از این حیث، هر قسم رأی ظنی که افعال جمهور اهل مدینه را سامان داده و به سویه‌ای مشترک و متحد سوق دهد، اعم از اینکه از سنخ سنت و فرهنگ یا شریعت و ایمان باشند، مشهوره به‌شمار می‌آیند. البته وجه مشترک دیگر تمام اصناف رأی مشهوره آن است که موجب پیدایش تمدنی واحد از بطن جامعه متکثر چندفرهنگی است. بنابراین می‌توان گفت، تنسيق، اتحاد و انتظام مدینه به سوی غایات و اغراض، به توفیق رئیس مدینه در تأسیس و بهره‌گیری از مشهورات وابسته است.

البته ثبات مدینه به رأی مشهوره مدون منوط است. قانون به مثابه تدوین رأی مشهوره، نخستین مشهورات جاری در جامعه در نظر گرفته می‌شوند که مانع فساد

جامعه و انحراف اهالی مدینه است. بنابراین پیدایش آراء مشهوره در وهله نخست به مقتضای ضرورت زیست اجتماعی و تشریک مساعی جهت نیل به غایت و اغراض، به مثابه مقتضای ذات آدمی است. البته، آراء مشهوره، منحصر در قانون نبوده و دامنه آن به متخیلات و انفعالات نفسانی نیز گسترش می یابد؛ با این تمایز که در مدینه فاضله به زعامت حاکم نبی، قانون، دال از شأن اکتسابی حاکم نبی فارابی دارد و متخیلات و اقناعات، نشان دهنده حیثیت فطری او است.

کلام پایانی اینکه مشهورات، سامان بخش افعال اهالی مدینه در راستای نیل به غایات، تأمین نیازهای اهل مدینه و تحقق وجه تسمیه مدائن است؛ جدا از آنکه این امور بر سعادت حقیقی یا پنداری ناصواب از سعادت دلالت نماید.

❖ منابع و مآخذ

۱. ابن سینا، حسین (۱۳۸۹)، «رساله اقسام الحکمة»، تحلیل و تحقیق و تصحیح محسن کدیور، جاویدان خرد، سال ششم، شماره دوم.
۲. _____، (۱۴۰۴)، الشفاء (کتاب الجدل)، تحقیق سعید زائد، قم: مکتبه آیت الله المرعشی نجفی.
۳. _____، (۱۴۰۹)، الشفاء (کتاب الهیات)، تحقیق سعید زائد، قم: مکتبه آیت الله المرعشی نجفی.
۴. امیرخانی، مهناز و زینب برخوردار و سیده ملیحه پور صالح امیری، (۱۳۹۵)، «تطور تاریخی چیستی مشهورات نزد منطق دانان مسلمان»، آموزه‌های فلسفه اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۹.
۵. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۶۷)، اندیشه کشورداری نزد فارابی، فرهنگ، شماره ۲ و ۳.
۶. داوری اردکانی، رضا (۱۳۴۶)، بحثی در آثار سیاسی فارابی، معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، شماره ۴.
۷. فارابی، ابونصر محمد (۱۴۰۵)، فصول المنتزعه، مقدمه، تحقیق و تعلیق فوزی نجار، تهران، مکتبت الزهراء.
۸. _____، (۱۴۰۸)، المنطقیات، تحقیق و مقدمه محمدتقی دانش‌پژوه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۹. _____، (۱۴۱۰)، النصوص المنطقیه، تحقیق و تقدیم محمدتقی دانش‌پژوه، اشراف السید محمد المرعشی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی نجفی.
۱۰. _____، (۱۴۱۳)، الاعمال الفلسفیه، مقدمه، تحقیق و تعلیق دکتر جعفر آل یاسین، بیروت: دارالمناهج.



۱۱. _____، (۱۹۶۷)، موسیقی الكبير، تحقیق و شرح غطاس عبدالملک خشبه، قاهره: دارالکاتب العربی للطباعه.
۱۲. _____، (۱۹۸۵)، المنطق عند الفارابی، جلد ۳، کتاب الجدل، شرح علی منطق الفارابی و التعليق علیها، تحقیق، تعلیق و شرح رفیق العجم، بیروت: دارالمشرق.
۱۳. _____، (۱۹۹۱)، کتاب المله و نصوص اخرى، مقدمه، تحقیق و تعلیق از محسن مهدی، بیروت: دارالمشرق.
۱۴. _____، (۱۹۹۵)، آراء اهل المدينه، مقدمه، تحقیق و تعلیق علی بوملحم، بیروت: مکتبه الهلال.
۱۵. _____، (۱۹۹۶)، احصاء العلوم، مقدمه و شرح از دکتر علی ملحم، بیروت: مکتبه الهلال.
۱۶. _____، (۱۹۹۹)، السياسه المدينه، مقدمه و شرح دکتر علی بوملحم، بیروت: مکتبه الهلال.
۱۷. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۷)، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۸. ناظرزاده کرمانی، فرناز (۱۳۷۶)، اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی. تهران: دانشگاه الزهراء.
۱۹. نیکو صفت راد، احمد و محمد سعیدی مهر (۱۳۹۰)، «فلسفه مدنی و علم مدنی، نگاهی به حکمت عملی فارابی»، پژوهش های اخلاقی، شماره ۴.

Ratios between recognized votes and social actions in ideal city-states of Farabi

Mohammad Reza Danesh-shahraki¹

Mojtaba Vaezi²

Abstract

The subject of this research is the study of the ratio of recognized votes and social actions of the people of ideal city-state from Farabi's point of view. Farabi divides the ideal city-states into different types according to the characteristics and goals of its inhabitants; in spite of the fundamental differences between various the types of city-states, the head of each city, who is the external symbol of his goals, with the benefit of generally accepted rankings on a regular basis, the rank of votes is considering to be acceptable to all residents popular opinions provide and regulate the preconditions and means of reaching a conclusion (whether they correspond to true happiness or a false notion of it). Of course, generally accepted opinions as a tool for organizing the city and uniting the society has different guilds, some of which, like traditions, are the pillar of obligation and some, like the law, are the more prominent pillar of order. Ultimately, of course, generally accepted opinions encompass a wide range of fantasies and carnal interactions and laws, each of which provide a part of Farabi's generally accepted opinions works and ultimately lead city-states to its ultimate goal. Therefore, these generally accepted opinions depending on the ruling strategy and in accordance with the goals of the establishment of city-states, leads the society towards convergence in order to achieve the final goal of the formation of city-states. Of course, the degree of success of generally accepted opinions in achieving the goal of city-states depends entirely on the policies and expertise of its leader. This article is organized by studying the library method with a priority of texts attributed to Farabi and the well-known works of his commentators. In this article, we will show that generally accepted opinions are the organizational system of actions of city-states' residents to achieve the goals of city-states; apart from the fact that the mentioned goals indicate true happiness or improper perception of it.

Keywords: Generally accepted opinions, utopia, intentions of the city states, Farabi, social actions.

1. PhD Student in Public Law Shiraz University (Corresponding Author)

Mrezadanesh.sh@ut.ac.ir

2. Associate Professor Department of Public and International Law Shiraz University mojtava_vaezi@yahoo.com

Abstracts